

تأثیر حضور روان شناسی مدارس در پیشگیری رشد مدار از بزهکاری اطفال (با تأکید بر آموزه‌های اسلامی)

شهرداد دارابی*، مهدیه پاکروان نمین**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵)

چکیده

امروزه بزهکاری اطفال و پایین آمدن سن بزهکاری یکی از معضلات اساسی جوامع بشری است که با رشد فزاینده‌ای رو به رو می‌باشد. این مهم در حالی است که جمعیت بسیاری از اطفال همه روزه به عنوان دانش آموز در مدارس حاضر شده و پس از خانواده، مدارس مهم‌ترین و اصلی‌ترین مکان‌های حضور دانش آموزان هستند که از تاثیرگذارترین اماکن بر سیر تکوین شخصیت ایشان محسوب می‌شوند. از این رو حضور روانشناسی مدارس در پرتو پیشگیری رشد مدار و با تأکید بر آموزه‌های دین مبین اسلام به دنبال تدابیری همچون تربیت اسلامی اطفال، افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان، تلاش جهت رفع معضلات روحی، روانی، فردی و خانوادگی ایشان یا اقدامات مناسب در راستای اصلاح رفتار کادر آموزشی با دانش آموزان در مدرسه می‌تواند اقدامی موثر جهت تکامل شخصیت دانش آموزان و رسانیدن ایشان به خود انضباطی و خودکنترلی باشد، آن‌چنان که از ورود هرچه بیشتر اطفال به عرصه بزهکاری ممانعت نماید. در این راستا، مقاله پیش‌رو تأثیرات حضور روان‌شناس در مدارس را در پرتو رویکرد پیشگیری رشد مدار بررسی و تحلیل می‌نماید.

کلیدواژگان

آموزه‌های دینی، پیشگیری رشد مدار، روان شناسی مدرسه، مداخله بهنگام.

* نویسنده مسئول: استادیار، حقوق جزا، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: shahrdad.darabi@yahoo.com

** مسئول مکاتبات: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: Mahdiehpakravan64@gmail.com

مقدمه

کودک پیوسته در حال تغییر، رشد و پیشرفت است که در این مسیر همواره در محیط پیرامون خویش شاهد و تابع مسائل متعددی است که می‌تواند در مسیر رشد او بسیار تاثیر گذار بوده و شخصیت او را شکل دهد. همچنین او در این مسیر با نیازهای متعددی مواجه می‌شود که چگونگی پاسخ دهی به آن‌ها حیاتی بوده و قابل اغماض و سهل انگاری نمی‌باشد.

از جمله نیازهای اساسی هر کودکی حضور در مدرسه و قرار گرفتن در کنار سایر همسالان خویش برای کسب علم و معرفت است تا بتواند در آینده دارای توانایی و مهارت‌های علمی و عملی متعددی که از ضروری‌ترین نیازهای امروز جوامع بشری است برخوردار باشد. از این رو مدرسه به عنوان خانه دوم کودکان شناخته شده و بزرگترین و موثرترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی محسوب می‌شود. لذا دانش آموزان از سویی تحت تاثیر و تعلیم دروس معین و ضابطه مند مدارس با اهداف و ویژگی‌های از پیش تعیین شده‌اند که می‌تواند تاثیر بسزایی در شخصیت علمی و اجتماعی ایشان برجای بگذارد و از سوی دیگر دانش آموزان در مدرسه یا در محیط‌های وابسته به آن در معرض ارتباط و تعامل با یکدیگر و همچنین در ارتباط با کادر آموزشی و اداری مدارس واقع می‌شوند که در این میان اموری را از یکدیگر می‌آموزند.

از سویی در کنار تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم مدرسه بر روی دانش آموزان همواره باید توجه نمود که هر دانش آموزی متناسب عضویت خویش در نهاد خانواده نیز تحت تاثیر عوامل متعددی همچون شرایط فرهنگی و اقتصادی خانواده، وضعیت والدین و سایر اعضای خانواده، تغییر محل سکونت، فشار خانواده برای پیشرفت تحصیلی در مدرسه و... قرار دارد. عوامل مطروحه به سهم خود تاثیراتی را بر روح و روان دانش آموز بر جای می‌گذارند و به بیانی محیط‌های موجد عوامل خطر شناخته می‌شوند (مهدوی، ۱۳۹۱، ص ۴۵۵) که می‌توانند خود را در قالب رفتارها و کنش‌ها و یا واکنش‌های بهنجار و بعضا نابهنجار وی در مدرسه نمایان سازند. لذا مدارس به عنوان یکی از مهم‌ترین اماکن تعامل دانش آموزان که اوقات کثیری را در آن می‌گذرانند، می‌تواند یکی از بهترین گزینه‌ها جهت بررسی تخصصی و دقیق رفتارهای دانش آموزان باشد که بی شک ریشه در روح و روان ایشان دارد.

روشن است، به واسطه تحصیل دانش آموزان در مدارس، خانواده‌های ایشان نیز در تعامل و ارتباط با مدرسه قرار می‌گیرند که می‌تواند به عنوان راهی برای شناخت هر بیشتر ایشان و در نتیجه کشف ریشه بسیاری از ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی، رفتارها و حتی ناملازمات احتمالی دانش آموزان از جمله گوشه‌گیری و انزوا در مدرسه، افت تحصیلی، ضعف تحصیلی، ترس از کلاس درس، غیبت و فرار از کلاس مدرسه، اعتماد به نفس پائین در برقراری ارتباط با همسالان و بزرگسالان، لجبازی و نافرمانی در مدرسه شود. خصوصیات و رفتارهایی که هر کدام ریشه‌ای مهم و اساسی در خانواده و شرایط خانوادگی دانش آموز داشته و می‌تواند زمینه ساز ناهنجاری و بزهکاری‌های متعددی در آینده باشد و عواقب و پیامدهای متعددی از جمله دور افتادن از جریان اصلی جامعه در آینده را برای ایشان به همراه داشته باشد که با توجه به پایین آمدن سن بزهکاری و افزایش ارتکاب جرائم توسط کودکان و نوجوانان خصوصا افزایش جرائم ضد اخلاقی در مدارس در سال‌های اخیر و روند رو به رشد آن (روحانی مقدم، محمدزاده، ۱۳۹۶، ص ۷۶) لازم است، بررسی ریشه‌ای نسبت به علل این امور توسط اهل خبره محقق شده و در برنامه ریزی‌ها و تدوین قوانین به این امر توجه لازم صورت پذیرد.

بدیهی است، آینده هر سرزمین و جامعه‌ای در دست کودکان و نوجوانان امروز آن جامعه است. لذا با سرمایه‌گذاری بر تربیت دینی و ارزشی روی این قشر و پیگیری اهداف متعددی همچون آسیب شناسی مشکلات تحصیلی و رفتاری دانش آموزان، ارتقاء مهارت‌ها و انگیزه‌های تحصیلی ایشان و امثالهم که همگی می‌توانند تاثیرات شگرفی را در کاهش تالمات و ناملازمات روحی و روانی دانش آموزان و در نتیجه کاهش ناهنجاری‌ها و ناسازگاری‌های ایشان در آینده‌ای نه چندان دور به همراه داشته باشند، دنبال نمود. از این رو امروزه برای تحقق چنین مطلوبی، اکثر جوامع رو به سوی پیشگیری رشد مدار که تمرکز و هدف آن کودکان و نوجوانان و مداخلات بهینه و بهنگام روان شناسی و روان شناختی در مراحل مختلف رشد ایشان است آورده؛ برنامه‌ها، راه کارها و تدابیری را برای هر چه بهتر اجرایی شدن اهداف آن رویکرد دنبال می‌نمایند؛ چه آنکه فشارهای روانی و اختلال‌های عاطفی هنگامی که با سایر عوامل (همچون قرار گرفتن در محیط یا شرایط جرم‌زا) در آمیزد واجد اهمیت و تاثیر جرم‌زایی بیشتر می‌شود (کی نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۷۹)

بدین سان حضور روان‌شناسانی مجرب و متخصص در مدارس و بررسی خیل کثیری از دانش‌آموزان و حتی اولیاء مدرسه و در گام‌های بالاتر، خانواده دانش‌آموزان، می‌تواند در هرچه بهتر اجرایی شدن اهداف رویکرد رشد مدار که مهمترین نتایج آن کاهش جرائم و عقب‌راندن آماج بزهکاری است مفید فایده واقع شده و جوامع را بیش از پیش شاهد سلامت اجتماعی و هنجارمندی شهروندان خویش قرار دهد.

مطالعه و تحلیل تاثیر حضور روان‌شناس مدارس در پیشگیری رشد مدار از بزهکاری اطفال در پرتو آموزه‌های اسلامی، موضوع نوشتار حاضر است؛ پرسش اساسی آن است که حضور روان‌شناس در مدارس چگونه می‌تواند بر عقب‌راندن آماج بزهکاری کودکان و نوجوانان، موثر واقع گردد؟ برای پاسخ به این پرسش با روش توصیفی - تحلیلی در سه گفتار شامل: گفتار اول: پیشبرد اهداف رویکرد پیشگیری رشد مدار از جرم با حضور روان‌شناس در مدارس، گفتار دوم: مبانی ضرورت حضور روان‌شناس در مدارس در پرتو رویکرد پیشگیری رشد مدار و گفتار سو: آثار حضور روان‌شناس در مدارس در افزایش امکان پیشبرد اهداف رشد مدار به تبیین این مهم پرداخته می‌شود.

پیشبرد اهداف پیشگیری رشد مدار از جرم با حضور روان‌شناس در مدارس

پیشگیری از بزهکاری، صرف نظر از اشکال مختلف آن، مقید به رعایت مبانی نظری و اصول علمی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹، ص ۵۷۱) پیشگیری رشد مدار از جرم، امروزه یکی از کارآمدترین رویکردها در زمینه کاهش بزهکاری کودکان و نوجوانان است که تلاش می‌نماید تا با مداخلات زودهنگام و بهینه در روند رشد و تکوین شخصیت (خصوصاً مداخلات روان‌شناختی) از طریق نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی، ایشان را به مرحله ای سوق دهد تا حتی با قرار گرفتن در موقعیت‌های جرم‌خیز و... مرتکب ناهنجاری نشوند و در نتیجه از بروز، پایداری و مزمن شدن رفتارهای بزهکارانه جلوگیری نماید. در این راهبرد تلاش می‌گردد تا با اخذ تدابیر صحیح و اقدامات لازم در دوره‌های مختلف جسمانی و عقلانی کودک و نوجوان، از جمله توانمندسازی و تقویت مهارت‌ها و... ایشان را به سمت فضائل و ارزش‌های اخلاقی (متولی زاده

نائینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳) سوق داده، از ورود زود هنگام افراد در معرض خطر به عرصه جرم و بزهکاری و چه بسا خروج دیر هنگام ایشان جلوگیری نمود.

لذا در این نوع پیشگیری که جنبه فنی و تربیتی داشته و متوجه زیر ساخت‌ها، بسترها و مولفه‌هایی است که افراد و جامعه را در قبال پدیده جنایی یا وسوسه‌های بزهکاری مصونیت درونی و ذاتی می‌بخشد (شاملو و مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۰) تلاش می‌شود تا با شناسایی علائم و نشانه‌های انحراف و بزهکاری در اطفال در معرض خطر و شناسایی نقاط ضعف و آسیب پذیر در اطفال، نه تنها نسبت به طفل در معرض خطر، حتی در مورد اولیاء آنها اعم از پدر و مادر، مربی و آموزگار او موثر واقع شوند؛ مداخله و اقدامات تربیتی و روان شناختی که اغلب لازم است از یک دوره نسبتاً طولانی (حداقل یکسال) برخوردار باشد، صورت داده (اقداماتی که بعضاً آثار و نتایج آن حتی تا بیست سال بعد در زندگی فردی و اجتماعی فرد نمود می‌یابد) و از ورود افراد به عرصه بزهکاری و نظام عدالت کیفری جلوگیری نموده، مانع افزایش بزهکاری و حتی کاهش آن در سطح کلی جامعه شد.

به عنوان مثال کودکی که در خانواده‌ای با والدین خشن و پرخاشگر به سر میبرد و یا در مدرسه با معلمان و کادر آموزشی و انضباطی بدرفتار و خشن قرار می‌گیرد، احتمال زیاد مهارت کنترل خشم را نیاموخته و در مواقع لزوم به خوبی قادر به استفاده از چنین مهارتی نمی‌باشد و چه بسا به همین دلیل مکرراً دچار درگیری‌های فیزیکی با همسالان خود و حتی زد و خورد‌های مهم همچون چاقو کشی و... در سنین بالاتر شده، خسارتهایی را به خود و سایرین وارد نماید. اما اگر همین کودک در همان سنین پایین و به محض مشاهده کوچکترین نشانه‌ها از پرخاشگری و ناهنجاری وی و حتی پیش از آن مورد توجه و آموزش‌های لازم از سوی افرادی همچون مشاوران و مربیان تربیتی و خصوصاً روان شناسانی زبده و باتجربه واقع شود و چنین مهارت‌های ساده اما بسیار کاربردی را به خوبی دریافت نموده و بیاموزد، دیگر فاقد مهارت و شایستگی اجتماعی کنترل خشم نبوده و احتمال ارتکاب رفتارهای خشونت آمیز و عواقب آن از سوی او در جامعه به مراتب کمتر خواهد بود.

تربیت اطفال در پرتو آموزه های دینی

کودکان و نوجوانان در دوره‌ای سنی و مرحله‌ای از رشد فکری قرار دارند که می‌توانند همراه با تغییرات و تحولاتی باشد که این تغییرات در قلمرو زیستی، رفتاری، شناختی و عاطفی و... اغلب به صورت ناخواسته و ناخودآگاه می‌تواند اثرات سوئی را در منش و افکار و خلق و خوی ایشان به همراه داشته باشد که نتایج آن در رفتار و کنش و واکنش‌های ایشان نمود می‌یابد و اکثر کودکان و نوجوانان در هنگام مواجهه با چنین اموری در زندگی خویش چنانچه به نحو شایسته و بهینه هدایت و راهنمایی نگردند و خود نیز نتوانند تصمیمات صحیح و کار آمدی را که همراه با آثار سوء نباشد، اتخاذ نمایند، چه بسا به طور ناگهانی و غیر منتظره از مسیر صحیح خارج شده و دچار ناهنجاری و ناهمگونی‌های اساسی در زندگی اجتماعی خویش با دیگران شوند که بدیهی است خروج از چنین فضایی بسیار سخت و مشکل بوده و حتی قصد خروج از چنین فضایی نیز در بسیاری از موارد می‌تواند همراه با اثرات سوء دیگری برای کودک یا نوجوانان باشد.

خانواده کوچکترین، قدسی‌ترین و قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی است و کودک میوه تکوینی خانواده است، در نتیجه خانواده زیربنایی‌ترین نهاد و مسئول اصلی تربیت میوه مذکور به شمار می‌رود. امام علی (علیه‌السلام) پدر را عامل اساسی در تربیت کودک دانسته و می‌فرماید:

وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَيِّنَ أَدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ: و حق فرزند بر پدر آنکه نام نیکو بر فرزند نهاد، خوب تربیتش کند، و او را قرآن بیاموزد (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مادر را مسئول مستقیم در سرنوشت نهایی کودک در حرکت به سوی بهشت یا جهنم، می‌داند: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» «بهشت زیر قدم‌های مادران است» (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۰).

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)، تربیت دینی کودک را در سه مرحله زمانی به تبیین آمده است:

الف) هفت سال اول کودک، سیادت و حکمرانی کودک بر والدین و بر اطرافیان به شمار

می‌رود.

ب) هفت سال دوم کودک، مرحله اطاعت در راستای ادب آموزی و پرورش دینی اوست.

پ) هفت سال سوم کودک، دوران وزارت و مشاورت اوست.

بدون تردید دوران کودکی و نوجوانی را باید به عنوان یکی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی انسان دانست که مشکلات این دوره، به اشکال مختلف به صورت مسائل عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و گاه آمیخته‌ای از آنها تجلی می‌کند. انباشته شدن این مشکلات، خطری است که به خصوص اطفال (و نوجوانان) را تهدید نموده و اگر به موقع به آنها توجه نشود، ممکن است به سمت بسیاری از انحرافات فردی، اجتماعی و بزهکاری سوق داده شوند. آن چنان که احتمال ابتلا به اعتیاد، ارتکاب انواع بزهکاری از قبیل سرقت و یا دوری یا فرار از مراکز تربیتی از قبیل خانه یا مدرسه افزایش یابد (دارابی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۲). اموری که مبارزه و مقابله با آنها در رویکرد رشد مدار از طریق مداخله زود هنگام در روند رشد اطفال و نوجوانان مورد تأکید قرار گرفته است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «بهترین میراث پدران برای فرزندان، ادب است نه مال و ثروت؛ زیرا ثروت از میان می‌رود و ادب پایدار می‌ماند» (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱) کودکی که در خانواده با ایمان و روشن ضمیر تربیت شده باشد، دارای ارزش والائی است؛ زیرا زندگی انسان بر پایه تربیت صحیح استوار است و اگر کودکی نیکو تربیت شود؛ بدون تردید می‌تواند فردی صالح و شایسته برای جامعه واقع گردد. تربیت خوب فرزند، بدون تردید دارای اجر اخروی نیز برای والدین می‌باشد؛ زیرا اثر فرزند صالح پس از مرگ والدین؛ همواره به آنها می‌رسد و خداوند متعال آنها به خاطر تربیت فرزند صالح؛ مورد تکریم قرار می‌دهد.

امام علی (علیه‌السلام) در وصیتش به امام حسن (علیه‌السلام)، لزوم توجه همه‌جانبه به تربیت دینی نوجوان را چنین به ارائه می‌آید: «قلب نوجوان همچون زمینی است که در آن هیچ دانه‌ای کشت نشده و آماده پذیرای هر بذری است، از این‌رو، بر آن شدم تا پیش از آنکه قلبت به سختی گراید و عقلت سرگرم امور دیگر شود، به تربیت تو همت بگمارم». البته الگوپذیری اطفال از والدین، مربیان و معلمان انکارناشدنی است و ضروری است که میان قول و فعل ایشان تطابق وجود داشته باشد.

در آیات شریفه ۲ و ۳ سوره مبارکه صف در قرآن کریم آمده است: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا

لَا تَفْعَلُونَ كُبْرًا مَّقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ای کسانی که ایمان آورداید چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید، نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید. بدین ترتیب دین مبین اسلام و روایات متعددی بر سرمایه‌گذاری تربیتی روی اطفال داشته‌اند که همواره این مهم را یادآور شده‌اند.

تدابیر روانشناسی مدرسه برای شناسایی کودک در معرض خطر

از یک سو رشد و شکوفایی و بالندگی کودکان و نوجوانان که بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و امید و سرمایه اصلی آینده جامعه‌اند، مهمترین هدف و انگیزه ملت‌ها در پیشگیری رشد مدار از جرم است که از اساسی‌ترین برنامه‌های آن رویکرد روان‌شناختی است. از سویی مدارس و مهد کودک‌ها و... که همه روزه محل حضور و آمد و شد کودکان است، به عنوان مناسب‌ترین مکان‌ها برای اجرای تدابیر روان‌شناختی شناسایی شده و برنامه‌هایی در این زمینه صورت پذیرفته است؛ از جمله حضور روان‌شناس در هر مدرسه است تا با دسترسی سریع و آسان به وی، بهره‌مندی از دانش و تجربه وی تا حد ممکن صورت پذیرد. دانش آموزان در مسیر رشد و تکامل خویش، از جهات متعدد و گوناگونی می‌توانند در معرض انواع آسیب‌ها قرار گرفته و دچار اختلالاتی در روند رشد بهینه و مطلوب خویش گردند. این عوامل دامنه وسیع و گسترده‌ای دارند که حتی می‌توانند از زمان پیش از تولد و دوران بارداری مادر تا عوامل مربوط به هنگام تولد و عوامل خانوادگی، پس از ورود به مدرسه و حضور در اجتماعی خارج از خانه و خانواده، عوامل مربوط به محیط پیرامون و... را شامل شوند.

به عنوان مثال امروزه علم به این نتیجه رسیده است که حتی تغذیه و میزان و نوع فعالیت مادر در زمان بارداری و حتی شرایط وضع حمل وی، می‌تواند اثراتی را در آینده کودک و خلق و خو و رفتارهای او داشته باشد (خواجه نوری، ۱۳۸۳، ص ۳۱۳). چه آنکه موجودیت انسان از آغاز و دوران جنینی تا رسیدن به سن رشد به تدریج شکل گرفته و تکامل می‌یابد و برای گذر مطلوب از این مسیر شرایط مناسبی باید فراهم شود تا از بروز عواملی که مخل رشد مطلوب انسان هستند جلوگیری به عمل آید. توجه به مسائل کودکان و نوجوانان به ویژه کودکان و نوجوانانی که در

معرض خطر انحراف و بزهکاری هستند از اولویت برخوردار است و دلیل این اولویت از سویی حساسیت ویژه دوران کودکی است و از سوی دیگر مهمترین اولویت در امر رسیدگی به وضعیت کودکان و نوجوانان در معرض خطر، حق کودکان به حمایت در مقابل عوامل خطر و تامین شرایط و عوامل حمایت کننده، برای آنان از سوی دولت هاست که از جمله این حقوق: حق حمایت (بند ۲ ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر، اصل ۲ اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹ و...)، حق اجتماعی شدن (بند ۱۳ و ۱۶ رهنمودهای ریاض)، حق ماقبت (بند ۳ ماده ۱۸ پیمان نامه حقوق کودک)، حق حفاظت در برابر بی توجهی و سوء رفتار (ماده ۱۹ پیمان نامه حقوق کودک، هشتمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین)، ترمیم بزه دیدگی (ماده ۳۹ پیمان نامه حقوق کودک) می باشد (مهدوی، ۱۳۹۱، ص ۷۹). لذا یکی از بهترین روش‌ها جهت مراقبت و حفظ و رعایت حقوق پیش‌بینی شده کودکان و نوجوانان در اسناد ملی و بین‌المللی، می‌تواند حضور روانشناس در مدرسه جهت شناسایی و رسیدگی‌های لازم روان شناختی به کودکان در معرض خطر است که می‌تواند به موجب وظایف و تکالیف از پیش تعیین شده خصوصا آنچه که مورد موافقت یا دستور مدیر آموزشگاه، مدرسه و موسسه آموزشی است به مرحله اجرا برسد. بنابراین هر گونه تلاش و اقدامی که بتواند در زمینه شناسایی و رفع مشکل کودک در معرض خطر به کار آمده و مفید باشد از جمله تلاش برای افزایش آگاهی کارکنان مدرسه، اولیاء و دانش آموزان و فراهم نمودن زمینه مشارکت آنها برای رفع مشکل و عامل روانی خطر و... می‌تواند در چارچوب برنامه های مدون و از پیش تعیین شده در قالب وظایف روان شناس مدرسه قرار گیرد و محدود به موارد ذکر شده نباشد.

حال با توجه به آنکه هدف از حضور روان شناس در مدرسه دستیابی به شناخت کامل و همه‌جانبه وی از دانش آموز و شرایط پیش و پس از حضور وی در مدرسه و مشکلات احتمالی پیش روی او و برنامه ریزی‌های لازم جهت رفع یا کاهش آسیب وارده ناشی از آن مشکلات است، پس لازم و ضروری است که وی بتواند تا حد ممکن از یک سو با دانش آموز، والدین و اولیاء مدرسه ارتباط برقرار کرده و از سوی دیگر ارتباط و تعامل میان اولیاء مدرسه و والدین دانش آموز را افزایش داده و اهداف پیش رو را دنبال نماید.

ارتباط و تعامل با دانش آموزان

بنا بر آنکه محور اصلی اقدامات کودکان و نوجوانان هستند، پس پرواضح است که بدون ارتباط با ایشان، نمیتوان از وضعیت و شرایط او در زمینه‌های مختلف و مشکلات و آسیب‌های احتمالی زندگی خصوصی وی، خصوصا اخلاق و منش وی مطلع شده و او را به درستی هدایت و راهنمایی نمود و پیش بینی و اجراء هر برنامه‌ای بدون شناخت از وی عبث و بیهوده خواهد بود. از سویی ارتباط با دانش آموز می‌تواند راهی بسیار پر اهمیت و مفید جهت دستیابی به اطلاعات لازم در خصوص خانواده و اطرافیان وی از جمله شناخت کامل و دقیق معلمان و آموزگاران که وی در مدرسه با آنها مرتبط است و یا شناخت دوستان و هم نشینان وی و... باشد. زیرا می‌تواند یکی از بهترین روش‌ها برای شناسایی عواملی باشد که موجبات اختلال روانی احتمالی وی را به همراه داشته است.

ارتباط و تعامل با والدین دانش آموز

کودکان بیشترین و اساسی‌ترین تاثیرات را از خانواده‌ها و شرایط خانوادگی خویش دریافت می‌کنند و فقط برای تکمیل آن عازم مدرسه و محیط آموزشی می‌شوند. بنابراین برای پیشرفتی هدفمند و دریافت پاسخ و نتیجه مثبت از برنامه‌ها و تدابیر پیش رو جهت اجراء برنامه‌های رشد مدار خصوصا پیشگیری از بزهکاری رشد مدار کودکان و نوجوانان دستیابی به شناختی هر چه بیشتر و کامل‌تر از خانواده دانش آموز امری لازم و ضروری می‌نماید. زیرا ممکن است صرف برقراری رابطه و تعامل با خود دانش آموز، از بسیاری مسائل که در خلیقات و رفتار او موثر است غافل مانده، در نتیجه نتوان نتیجه اصلی و اساسی برنامه‌ها را دنبال نمود. زیرا بعضا با دانش آموزانی برخورد می‌کنیم که چهره‌ای واقعی از خانواده خویش ترسیم نمی‌نمایند و سعی در پنهان کردن بسیاری از مسائل مربوط به خانواده خویش را دارند.

بدیهی است اگر روان شناس وضعیت روحی دانش آموز را تحت نظر داشته و با وضعیت خانوادگی وی تطبیق داده و در صورت لزوم گزارش لازم برای رفع مشکل را به اولیاء مدرسه ارائه نماید شاید بسیار راحت تر از آنچه که تصور شود بتوان مشکل را رفع نموده و او را از ورطه

بزهکاری نجات دهد. روان شناس می‌تواند با برگزاری جلساتی برای مصاحبت با دانش آموز پس از کسب اطلاعات لازم و شناخت کامل از شرایط خانوادگی وی و هدایت روانی و ذهنی وی بسیاری از ارزش‌ها را در وی نهادینه ساخته، مهارت‌های کارآمدی را برای مقابله با مواقع بحران و خطر به وی پیشنهاد نماید (یارمحمدیان، ۱۳۸۸، ص ۹۹). همچنین بعضا ارتباط و تعامل با والدین دانش آموز و در صورت لزوم ارتباط با سایر اعضاء خانواده دانش آموز و ارائه و آموزش مهارت‌هایی به ایشان نیز می‌تواند در رفع مشکلات احتمالی بسیار مفید واقع شود.

ارتباط و تعامل با اولیاء مدرسه (مدیر، ناظم و ...)

محیط، جوّ و شرایط حاکم در مدرسه، از اثر گذارترین عوامل در ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری دانش آموزان است. جوّ حاکم بر مدرسه شامل نحوه مدیریت مدرسه، اخلاق معلمان و آموزگاران در کلاس درس، شرایط و امکانات مادی مدرسه از جمله تعداد کلاس‌ها و جمعیت حاضر در آنها و همچنین نوع برخورد و رفتار از سوی اولیاء با دانش آموزان، تجربه یا عدم تجربه و دانش لازم معلمان (خصوصا معلمان تازه کار) برای اداره صحیح کلاس درس و... می‌باشد. مثلا به مراتب رفتارهایی از سوی دانش آموزان اتفاق افتاده است که در واقع واکنشی نسبت به کنش اولیه و ابتدایی معلم سر کلاس بوده است. مثلا معلمی برای تنبیه دانش آموز اقدام به تراشیدن موی سر او در مقابل دیگر دانش آموزان می‌نماید و او در واکنش به این رفتار معلم اقدام به ضرب و شتم وی داخل یا خارج از محیط مدرسه می‌نماید و پی در پی زنجیره‌ای از اقدامات ناهمگون شکل می‌گیرد...

سازماندهی و مدیریت صحیح امور مدرسه یک مسئله اساسی در موفقیت شغلی اولیاء مدرسه خصوصا معلمان است و آنچه که ایشان به آن نیاز دارند آن است که اصول اساسی برای تحلیل هر موقعیت و تصمیم گیری متناسب با آن را به کار گیرند (لطف آبادی، ۱۳۹۳، ص ۲۷) و با توجه به آنکه بعضا با آموزگاران مواجه هستیم که اگرچه در حیطه تخصصی خود بسیار زبده و توانا و مجرب اند، اما به دلیل عدم آگاهی کامل و صحیح از اصول تربیتی و رفتاری، همواره با دانش آموزان خود دچار نابسامانی و تعارض شده و با اقدامات ناصحیح و غیر اصولی خویش مشکلات

عديده‌ای را دامن می‌زنند. لذا حضور روان‌شناس در مدرسه و ارتباط کامل وی با اولیاء مدرسه و مشاهده تمام جزئیات می‌تواند اطلاعاتی را در مورد بسیاری از عواملی را که بعضاً در نظر دیگران کم‌اهمیت و یا فاقد اهمیت بوده و یا به دلایلی همچون ملاحظات و روابط همکارانه مورد اغماض و چشم‌پوشی واقع شده و گزارشاتی را که پنهان باقی مانده (خصوصاً گزارشات واصله به ناظران و یا مشاوران مراکز آموزش و پرورش در صورت ارجاع مسئله) دریافت نموده، اطلاعات جزئی‌تر، کامل‌تر و بیشتری را از شرایط پیرامونی دانش‌آموز و ریشه‌های اصلی وقایع حادث شده اخذ کرده و متناسب آن تدابیر لازم از جمله مورد مشاوره روان‌شناختی قرار دادن اولیاء مدرسه را بیان‌دیشد.

برقراری ارتباط و تعامل میان والدین دانش‌آموز و اولیاء مدرسه

وجود تعامل چندجانبه میان اولیاء مدرسه، دانش‌آموز، والدین او و روان‌شناس مدرسه، می‌تواند یکی از مهمترین و کارآمدترین مدل‌های برنامه‌های پیشگیری رشد‌مدار باشد تا تلاش شود حتی کوچکترین عاملی که ممکن است موجب تالمات روحی و روانی دانش‌آموز شده و یا به هر نحوی بر ذهن و روان او تاثیر می‌گذارد، از حیطة کنکاش و بررسی‌های روان‌شناختی دور نمانده و در صورت امکان به موقع با آن برخورد و مقابله شود. چه بسا معضلات و مشکلاتی که در مسیر رشد دانش‌آموز وجود دارد اما بدون همکاری و تعامل والدین و اولیاء مدرسه به نحو مطلوب و شایسته حل‌شدنی و قابل‌رفع نمی‌باشد و هرگونه اقدام و تدبیری اگر چه ابتر و بدون نتیجه نباشد، درطولانی مدت اثر خود را از دست داده و تمام امر، به نقطه اول باز خواهد گشت که در این راستا برقراری ارتباط مبتنی بر صداقت، تلقی مثبت و هم‌حسی درست بیش از هر امری توصیه می‌گردد تا بتوان مشکلات را تا حد ممکن شناسایی و مرتفع نمود. خصوصاً که این ارتباطات می‌تواند تا حد زیادی تعیین‌کننده ادامه فرایند پیش‌رو باشد و اطلاعات لازم و مکفی را در اختیار روان‌شناس مدرسه قرار دهد.

زمانی که مشاور یا روان‌شناس تشخیص دهد که همه اطلاعات مرتبط با مشکل یا آسیب موجود را جمع‌آوری و شناسایی کرده است و دانش‌آموز دارای مشکل و اختلال و بعضاً والدین

و اولیاء وی و یا کسانی که ممکن است موجب بروز خطر و آسیب وی شده باشند، رضایت و تمایل کافی برای اجرای برنامه‌های طراحی شده را دارند و با مشاور و روان شناس جهت ضرورت رفع مشکل وحدت و اتفاق نظر دارند و یا حد اقل تمایل به رفع مشکل دارند، می‌تواند وارد مرحله عمل شده و برنامه‌های طراحی شده را تا حد ممکن با مشارکت و همکاری سایرین از جمله خود دانش آموز و والدین وی، اولیاء مدرسه و در مواقع لزوم نهادها و موسساتی که توانایی و شرایط لازم جهت همکاری و مساعدت را دارند و... به مرحله اجرایی برسانند. لذا موافقت و همکاری دانش آموز و اغلب ایجاد کنندگان و عاملین خطر جهت پیشبرد این برنامه‌ها بسیار حائز اهمیت است. و تا زمانی که ضرورت رفع مشکل و کاهش آسیب‌های احتمالی ناشی از آن درک نشود و موافقت و رضایتی وجود نداشته باشد، هر گونه تلاش و اقدام و سرمایه‌گذاری جهت رفع مشکل بیهوده می‌نماید و عاملین به راحتی می‌توانند تمام برنامه‌ها را زایل کرده و حتی مشکلات مضاعفی را برای مشاور یا کودک در معرض خطر ایجاد نمایند. بنابر این پس از شناسایی عوامل خطر و پیش از انجام هر گونه اقدامی از سوی روان شناس، بهتر است و تا حد بسیار بالایی ضروری مینماید که آگاهی‌های لازم و مشاوره‌های کلامی و اقناعی لازم برای جلب اعتماد و کسب رضایت و ایجاد حس ضرورت اجرای برنامه‌ها، در اختیار کودک در معرض خطر (حتی اگر در سنین بسیار پایین کودکی است، تا آنجا که ممکن است و شرایط سنی و فرایند رشد او اجازه می‌دهد) و همچنین عوامل موجد خطر، قرار داده شود و از ایشان همکاری‌های لازم خواسته شود که بدیهی است در این میان روان شناس مدرسه می‌بایست خود دارای توانایی‌های علمی و عملی لازم جهت همراه و هماهنگ نمودن طرفین برنامه باشد.

پیشگیری اجتماعی رشد مدار به دنبال آنست تا با مطالعه کودکان و نوجوانان و استفاده مناسب از ساز و کارهای حمایتی موجود در محیط‌هایی مانند خانواده و مدرسه، دانش آموزان مسئله دار (در معرض خطر) را به سوی همنوایی با قواعد اجتماعی سوق دهد (رجبی پور، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵) و می‌کوشد تا با اقداماتی همچون اقدام‌های زود هنگام ملاحظه در فرآیند جامعه پذیری افراد از رهگذر نهاد خانواده، آموختن مهارت‌های اجتماعی به کودکان و نوجوانان، آموزش آموزگاران و مسئولان مدرسه و... توانمند سازی افراد را برای زندگی مطلوب در جامعه آماده سازد.

حضور روان شناس در مدارس برای نیل به بسیاری از اهداف رویکرد رشد مدار روشی معقول و سنجیده می‌نماید که برای کسب موفقیت و کارآمد جلوه نمودن، می‌بایستی اهداف و برنامه‌هایی را دنبال نماید. اما لازمه پیمایش و اجرای برنامه‌ها و دستیابی به اهداف پیش رو آن است که مجریان آن یعنی روان شناسان حاضر در مدارس دارای ویژگی‌ها و خصوصیات باشند که تا حد بسیار بالایی لازمه حرفه و مشغله ایشان می‌باشد. از جمله: تخصص، تحصیلات مرتبط شغلی (گذرانیدن دوره‌هایی جرم شناسی در کنار علم روان شناسی)، تجربه و مهارت لازم برای به کار گیری صحیح و بهنگام دانش روان شناختی خویش و توانایی برقراری روابطی دوستانه و صمیمانه با دانش آموزان و... و توانایی جلب اعتماد و اطمینان ایشان، برخورداری از صلاحیت لازم برای برقراری ارتباط و تعامل با دانش آموزان (با توجه به شرایط سنی و رشد فکری و ذهنی دانش آموزان)، برخورداری از سجایای اخلاقی همچون معتمد و رازدار بودن و...

با این شرح این مسئله مطرح می‌گردد که چرا در راستای اهداف رشدمدارانه، نسبت به حضور و فعالیت روان شناس در مدارس احساس نیاز و ضرورت می‌گردد؟ به بیان دیگر، روان شناس و حضور وی در مدارس چه تأثیراتی می‌تواند در کاهش موارد تخلف و ناهنجاری و بزهکاری دانش آموزان (کودکان و نوجوانان) به همراه داشته باشد؟

مبانی ضرورت حضور روان شناس در مدارس در پرتو پیشگیری رشد مدار

جوامع مختلف بر اساس شرایط متعدد و مختلف از جمله فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم، شرایط سیاسی و... دارای قوانین و ضوابط از پیش تعیین شده (قوانین موضوعه) و همچنین قوانین و ضوابطی برمبنای عرف درونی جامعه‌اند که حفظ نظم و امنیت آن جامعه منوط به رعایت و ملزم بودن به آن قوانین است که در قالب هنجار و ارزش‌های اجتماعی نمود یافته است. هنجار الگویی است که بیان می‌دارد انسان در موقعیت‌های مختلف چگونه رفتار نماید و یا از انجام چه رفتاری خودداری نماید که نقض آن الگوها به عنوان هنجارشکنی، انحراف و یا کجروی از ارزش‌ها شناخته می‌شود.

اما همیشه در میان افراد جوامع، افرادی به دلایل و عوامل مختلف مرتکب هنجارشکنی و

کجروی از ارزشها و قوانین می‌شوند که برخی همچون اعتیاد و مصرف مواد مخدر صرفاً موجب آسیب به خود فرد و برخی دیگر همچون سرقت، درگیری، کلاهبرداری و... موجب آسیب به دیگران نیز می‌شوند که خواست عمومی جوامع (واکنش اجتماعی) برخورد با این افراد و سرکوب بی‌نظمی و هنجارشکنی‌هاست. اما همواره می‌بایست توجه داشت هیچ کودکی از بدو تولد منحرف و هنجارشکن متولد نمی‌شود و حتی هیچ ناهنجاری نیز از ابتدا یک مجرم مزمن و حرفه‌ای نبوده است. بلکه عوامل و شرایط متعددی از جمله شرایط اقتصادی، فرهنگی، تربیتی، زیست محیطی و... می‌تواند زمینه ساز چنین رفتارهایی برای مرتبه اول و یا تکرار آن باشد. لذا بهترین راه مقابله با چنین رفتارهایی می‌تواند پیشگیری از وقوع آنها از طریق آسیب‌شناسی اجتماعی و ریشه‌یابی آنها با توسل به بررسی و تجزیه و تحلیل چرایی ارتکاب رفتارها در دوران کودکی و نوجوانی افراد باشد تا بتوان برای همیشه و در سطح بالاتر و گسترده‌تر با هنجارشکنی و انحراف برخورد نمود و به حفظ جامعه و نیروهای آن پرداخت. چه بسا که برخوردهای مقطعی و سطحی با عامل و یا مرتکب ناهنجاری نتواند چنین نتایجی را به همراه داشته باشد (از جمله نتیجه تغییر در ذهنیت، رفتار، شرایط نامساعد وی و...). زیرا عمدتاً محدود به فرد هنجارشکن و همان دوره زمانی است. بنابراین برخورد عمیق‌تر و گسترده‌تر با انحراف و ناهنجاری مستلزم آسیب‌شناسی اجتماعی پیش از وقوع ناهنجاری است که بخشی از آن با مطالعه خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی تشکیل می‌شود که با توجه به حضور و آمد و شد افراد زیادی در سنین کودکی و نوجوانی تحت عنوان دانش‌آموز به مدارس، مدارس می‌تواند یکی از بهترین اماکن جهت توجه و در نظر داشتن اعمال و رفتار ایشان و شناسایی موارد رفتاری غیرطبیعی (خارج از عرف و هنجار) ابتدایی و اولیه دانش‌آموزان و متعاقباً اعمال اقدامات لازم و کارآمد و صحیح و اصولی برای پیشگیری از مزمن و به عادت شدن این اعمال و رفتار در ایشان و در نتیجه مانع شدن از ارتکاب خطاها و ناهنجاری‌های بزرگتر و شدیدتر و حتی غیر قابل جبران ایشان در آینده است.

زیرا او هنوز در مراحل ابتدایی رشد فکری و عقلی به سر می‌برد و همان‌طور که به سهولت شرایط حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی او ممکن است بر اندیشه و اعمال و رفتار وی موثر بوده

و چه بسا هر لحظه او را به سوی ناهنجاری سوق دهد، به همان میزان قابل هدایت، حمایت، تربیت و آموزش صحیح است. از این رو به نظر میرسد لازمه این امر حضور روانشناسی توانا و مدیر در مدارس برای توجه اصولی و علمی به رفتارهای دانش آموزان و دریافت اختلال‌ها و سنجش آن با توجه به مسائل و شرایط حاکم بر زندگی وی و در پی آن انتخاب بهترین روش مقابله با عوامل جرم‌زا و اصلاح و درمان رفتارهای ناخوشایند و نابهنجار از میان انواع روش‌ها و واکنش‌هاست که سرانجام منجر به تغییر ذهنیت، رفتار و شرایط نامساعد وی شود.

حضور روان‌شناس در مدارس می‌تواند سهولت و سرعت کنکاش و بررسی‌های روانی و ترسیم نیم رخ روانی هر دانش آموز را، خصوصا دانش آموزان با نشانه‌های ضعف و اختلال را تضمین نماید و در صورت بروز هر گونه تخلف و کجروی از سوی ایشان (و حتی پیش از آن) به بررسی تخصصی و اصولی وجوه مختلف وجودی دانش آموزان بپردازد و عوامل متعدد درونی (همچون جو و شرایط حاکم بر مدرسه، شیوه و روش تدریس و برخورد با دانش آموزان و...) و بیرونی (همچون شرایط خانوادگی و خصوصی دانش آموز و...) مدارس که موثر بر رفتار دانش آموزان در مدارس است را مورد توجه قرار داده، جهت رشد بهینه و پرورش صحیح ایشان، مانع از به اجرا در آمدن هرگونه کنش یا واکنش غیر صحیح نسبت به دانش آموز متخلف از سوی اولیاء مدرسه گردد. چه بسا تصمیمات و اقدامات سطحی و غیر اصولی که صرفا بر اساس سلاقی و بینش شخصی، از روی عادت و یا براساس عقل عامیانه و قراردادهای معمول در محیط (لطف آبادی، ۱۳۹۳، ص ۳۱) نسبت به دانش آموز متخلف صورت پذیرد که نه تنها در منضبط و بهنجار شدن وی موثر نیست بلکه او را به سوی ناهنجاری‌های بزرگتر و مهمتر در آینده سوق خواهد داد.

روان‌شناسی رشد مدار و تخصیص روش تادیب و تربیت متناسب هر دانش آموز

یکی از بزرگترین اهداف و نتایج مثبت ملاک و مد نظر این پژوهش، توجه فردی به هر دانش آموز و دستیابی به شناخت کامل و دقیق از روحیه و روان او و در نتیجه انتخاب بهترین رفتارها و اقدامات نسبت به اوست که از عهده یک روان‌شناس متخصص و با تجربه بر می آید امروزه هر چند در مدارس مشاوران و متخصصان علوم تربیتی حاضرند و یا آنکه در نظام سازمانی مدارس

روان شناسانی در چارچوب از پیش تعیین شده‌ای با مدارس و نظام آموزش و پرورش همکاری‌های لازم را دارند و یا حتی معلمان و دبیران به صورت دوره‌ای در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی به خصوص آشنایی با شیوه‌های صحیح تربیتی و رفتاری با دانش آموزان شرکت داده می‌شوند. لیکن از یک سو شاهد کمبود نیروی مشاور در مدارس و دسترسی به میزان بسیار کم و پایین دانش آموزان و در نتیجه ارتباط بسیار کم دانش آموز با مشاوران و بعضاً عدم تخصص گرایی از همان تعداد کم مشاوران در مدارس و نیز فقدان حضور همین روان شناسان در برخی مقاطع تحصیلی خصوصاً مقاطع ابتدایی می‌باشیم. از سوی دیگر هر چند در برخی مدارس مشاوران و متخصصان علوم تربیتی حاضرند، اما صرفاً در موارد حاد و حساس و با عدم بررسی موردی و فرد به فرد دانش آموزان همراه می‌باشد و عمدتاً، دانش آموزان را به نحو جمعی و گروهی و بر مبنای روش‌های اثبات شده عمومی تربیتی در نظر می‌گیرند؛ بر مبنای روش‌هایی که با توجه به شناخت به دست آمده از کودکان و نوجوانان و اقتضائات عمومی و کلی دوران‌های مختلف سنی تعیین و تبیین شده‌اند. در صورتی که توصیه مبنی بر بررسی و شناخت فردی از هر یک از دانش آموزان می‌باشد تا بتوان خدماتی را حتی برای دانش آموزانی که علیرغم معضلات و درگیری‌های متعدد فکری، نموده‌های رفتاری نداشته و بعضاً خیلی مثبت و بهنجار می‌نمایند نیز، اعمال نمود. چه بسا کودکان و نوجوانانی که با توجه به خلق و خوی خویش، از هر گونه نمود رفتاری پرهیز می‌کنند اما از درون دچار اقسام تألمات و ناملازمات‌اند که هر آن امکان فوران و انفجار روحی و درونی را می‌تواند به همراه داشته باشد و شاید زمانی بروز داده شود که دیگر هر اقدام و تدبیری ناکارآمد و غیر مفید واقع شود. حال آنکه روان شناس مستقر در مدرسه چنانچه تدابیر لازم جهت ارتباط و تعامل هر چه بیشتر او با تمام دانش آموزان فراهم شود می‌تواند بهنگام به شناخت هر یک از دانش آموزان پرداخته و از تألمات درونی او پیش از آنکه دیر شود، آگاه گردد. در صورتی که مشاوران حاضر در مدرسه صرفاً در مواقع بروز ناهنجاری و تخلف وارد عمل شده و یا به اجرای برنامه‌های صرفاً گروهی نسبت به دانش آموزان می‌پردازند.

همچنین در خصوص روان شناسانی که با نظام آموزش و پرورش و مدارس همکاری می‌نمایند این نکته قابل توجه است که ایشان در دسترسی دائمی و مستمر دانش آموزان و معلمان

و... قرار ندارند و صرفاً در مواقع بروز تخلفات و ناهنجاری‌های غیر قابل اغماض از سوی مسئولان مدرسه آن هم پس از گذراندن مراحل و شرایطی و طبق ضوابط خاص، همکاری نموده و وارد عمل می‌شوند^۱.

در این میان شناسایی دانش آموزانی که از فقدان والدین رنج می‌برند، از جایگاه بسزایی برخوردار است. محرومیت اطفال از والدین، جدایی‌های چندگانه، مادرناتنی یا شخصیت‌های مشابه، اضطراب و استرس زیادی را به وجود می‌آورد (نجفی ابرنآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۷) که لازم است این شرایط از دید مسئولان مدرسه مغفول نماند. ضمن آنکه در بسیاری از موارد الزام به خروج موقتی دانش آموز از مدرسه برای مراجعه به روان‌شناس معتمد نظام آموزش و پرورش بنا به صلاحدید کادر آموزشی و انضباطی مدارس، موجب اطلاع یافتن دیگر دانش آموزان از قضیه و به دنبال آن، قضاوت و مورد سوژه قرار گرفتن آن دانش آموز توسط سایرین شده و به نوعی موجب برچسب خوردن از سوی دیگر دانش آموزان و سایر معلمان و... شده که خود می‌تواند زمینه ساز بسیاری از موارد خطر دیگر همچون افزایش تنش و درگیری میان آن دانش آموز با سایر دانش آموزان در نتیجه تمسخر وی و یا توبیخ و سرزنش‌های دیگر معلمان در اثر ذهنیت ایجاد شده در مورد وی باشد. اما اگر روان‌شناس در مدرسه حاضر باشد کاملاً عادی و بی‌سر و صدا و هیاهو می‌توان قضیه را به وی ارجاع داد و یا حداقل چون تمام دانش آموزان می‌بایست با وی در ارتباط باشند، حساسیت کمتری رابه دنبال خواهد داشت.

۱. مشاوران چنانچه مشاهده نمایند که دانش آموزی درگیر مسائل اخلاقی شده او را به مراکز و هسته‌های مشاوره ارجاع می‌دهند که مستلزم خروج وی از مدرسه حداقل برای ۲ تا ۳ روز است که همین غیبت و عدم حضور اجباری او می‌تواند تالماتی روحی را برای وی ایجاد نموده و یا ذهن دیگر دانش آموزان را درگیر سازد که این امر خود می‌تواند زمینه ساز عواملی همچون عدم امکان بهره‌مندی فوری دانش آموزان و یا اولیاء مدرسه و والدین و حتی دوستان وی از نظرات و عقاید و پیشنهادات اصولی روان‌شناس باشد و بالعکس موجب عدم دستیابی روان‌شناس به گزارش‌های واصله و اطلاعات ایشان در خصوص مسئله پیش آمده می‌شود. اطلاعاتی که می‌تواند کمک موثری در تسلط و اشراف کامل روان‌شناس بر اوضاع و احوال و جوّ حاکم بر مدرسه دانش آموز و محیط‌های مرتبط با وی و در نتیجه آگاهی کامل تر وی از تمام جزئیات و شرایط موثر در بروز مشکل پیش آمده باشد.

پیشگیری از سوء تدبیر یا سوء رفتار کادر آموزش و انضباطی با دانش آموزان

مدارس و محیط‌های آموزشی در مجموع رسالت آموزش و پرورش دانش آموزان را بر عهده دارند و لازم می‌نماید در این راستا، وظایف و انتظارات متعددی را که بر عهده دارند به نحو احسن و شایسته به انجام رسانیده و تا حد ممکن ملزومات این امر همچون تامین و دعوت به همکاری از معلمان و مربیان صبور و متعهد که دارای حسن خلق و آداب اجتماعی می‌باشند را فراهم سازند تا بتوانند در کنار آموزش اعداد و ارقام و... مهارت‌های صحیح و شایسته‌ای را که امروزه در روابط اجتماعی و بین فردی از واجبات امر برای برقراری یک زندگی سالم و مسالمت آمیز و عاری از هرگونه ناهنجاری و بی‌قیدی در کنار سایر شهروندان جامعه است را نیز آموزش دهند.

در بسیاری از موارد گزارش شده است که پس از بروز اولین و یا کوچکترین کنش‌ها و بی‌انضباطی‌ها از سوی دانش آموز، مواجهه کاملاً انضباطی و بعضاً تنبیهات سخت و غیر ضروری به خصوص در حضور سایر دانش آموزان، دانش آموز خاطی را متجری ساخته و زمینه بروز سایر رفتارهای ناشایست از سوی او را فراهم ساخته است. اما پس از بررسی‌ها مشخص گردیده است که اگر همان رفتار و گفتار، پیش از هر برخوردی، به زعم روان‌شناس و مشاور مستقر در مدرسه برسد و از او به عنوان مشاور کاملاً بی‌طرف تدبیر و راه‌چاره‌ای خواسته شود و او پس از کنکاش و جستجوی علت اصلی ذهنی و روانی رفتار دانش آموز اقدام نماید، به مراتب توفیقات بیشتری جهت هدایت و تربیت صحیح دانش آموز حاصل گشته و از ارتکاب رفتارهای خلاف عرف و هنجار و قانون بعدی وی جلوگیری به عمل آمده است.

بنابراین آموزش و پرورش و تربیت صحیح کودکان و نوجوانان خود مقدماتی دارد. دانش آموزان در مدارس به عنوان مکانی که شخصیت و اخلاق و منش آن‌ها شکل گرفته و هدایت میشوند، همه روزه با مدیر و ناظم و معلمانی سر و کار دارند که متأسفانه بسیاری از آنها خود به آموزش‌های نوین تربیتی و استاندارد و همپایه تدابیر روز دنیا درباره نحوه رفتار صحیح و اصولی با دانش آموزان نیازمندند (ترکمن‌دی، ۱۳۹۶، ص ۲۵) و گزینش و ارائه آموزش‌های لازم به ایشان به ویژه درباره اصول برقراری رابطه انسانی با دانش آموزان ضرورت دارد. شیوه‌های کاربردی که بعضاً اولیاء مدرسه آنها را نمی‌دانند؛ در نتیجه به نیازهای روانی دانش آموزان توجه نمی‌کنند و به

شیوه‌های گوناگون دانش آموزان را طرد کرده و سلامت و امنیت روانی دانش آموزان را مختل و آنها را از درس و مدرسه بیزار می‌کنند.

لیکن حضور روان شناس در مدرسه، هر لحظه می‌تواند موجب استمداد کادر آموزشی و انضباطی مدارس بوده و موجبات اخذ تصمیمات بهتر در خصوص دانش آموزان را فراهم نماید. وی می‌تواند با طراحی و برنامه ریزی جهت آموزش و ارائه روش‌های تربیتی صحیح به معلمان، ایشان را در هدایت و پرورش صحیح دانش آموزان یاری کرده، موجبات روابط دوستانه و صمیمانه معلمان و دانش آموزان و رفع عوامل خطری که موجب فرار یا دل زدگی کودکان از درس و مدرسه می‌شود را فراهم نماید.

بنابراین لازم است روان شناسان حاضر در مدرسه ضمن تعاون و همکاری که با اولیاء مدرسه دارند از استقلال کاری لازم برخوردار بوده، از یک سو وابسته و تحت کنترل کامل اولیاء مدرسه نباشند که صرفاً مطابق خواست و میل ایشان حرکت نمایند و از سوی دیگر در مواقع لزوم اختیار برخی اقدامات لازم و اخذ تصمیمات شایسته را دارا باشند. حتی اگر (علیرغم حفظ و رعایت شرایط و نکات کلیدی استاندارد) از نظر سازمانی و اداری خلاف نظر و به ضرر معلمان و مدیر و ناظم مدرسه باشد (از جمله حفظ حقوق و تحت حمایت قرار دادن دانش آموز در مقابل معلم یا ... خاطی). زیرا هدف حفظ کرامت و هدایت بهینه دانش آموزان به سوی نهادینه سازی ارزش های اخلاقی است و با هر عاملی که موجب تعلم خاطر و آسیب احتمالی دانش آموز می‌باشد تا حد ممکن می‌بایست مقابله صورت گرفته و برای رفع یا کاهش آن تلاش گردد (هر چند در ردیف بالاتر، اقدامات و اعمال خود روان شناسان نیز می‌بایست تحت نظارت و اصول از پیش تعیین شده باشد).

روان شناسی رشد مدار و کاهش موارد تنش و خشونت در مدارس

خشونت یکی از رایج‌ترین واکنش‌هاست که فرد هنگام قرار گرفتن در موقعیت های تنش زا از خود بروز می‌دهد (براهنی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲) که می‌تواند به پرخاشگری و حتی آسیب رساندن به خود یا دیگری نیز بیانجامد و خود در هر سطحی که باشد می‌تواند زمینه بروز بسیاری از

ناهنجاری‌های دیگر را در پی داشته و عواقب سوئی را به بار بیاورد. اما ریشه خشونت و پرخاشگری چیست؟

در خصوص پرخاشگری نظریه‌های متفاوتی مطرح است. از جمله: ۱. نظریه ناکامی- پرخاشگری ۲. نظریه پرخاشگری- رفتار اکتسابی (عزیزآبی و مرادیان، ۱۳۹۴، ص ۵۹) وقتی دانش آموز شاهد رفتار و کنش‌هایی از سوی دیگر دانش آموزان است که موجب تالعات روحی او را فراهم می کند و یا شاهد و ناظر برخوردهای بعضاً نا شایست معلمان و ناظران و مدیران در مدرسه نسبت به خویش و یا حتی دوستان خود می‌باشد، در واقع مقدمه و زمینه‌ای برای ایجاد احساس ناامنی و ناخوشایندی از محیط و رسیدن به حس دستخوش تظلم و ستیزه جویی دیگران قرار گرفتن و... فراهم می‌شود که نتیجه آن اغلب موارد چیزی جز خشونت و ایجاد تنش در مدرسه نمی باشد (پیشین، ص ۴۱۸). در ادامه تنش در مدرسه از ابعاد مختلف بررسی می‌شود.

تنش و برخوردهای پرخاشگرانه و ستیزه جویانه میان دانش آموزان با یکدیگر

دانش آموزان خصوصاً در دوران بلوغ، دارای خصوصیات و ویژگی‌های خاص رفتاری می‌شوند که عدم توجه کافی و بهنگام به آنها و یا زیر پا نهادن خواست‌ها و نیازهایشان از سوی دیگران، خصوصاً دوستان و همسالان و یا همکلاسان خویش، می‌تواند فشار و بار روانی سنگینی را بر آنها وارد کرده و برای پاسخ به چنین اموری، به ویژه اگر فاقد مهارت‌های اجتماعی همچون کنترل خشم باشند، اقدام به خشونت و ایجاد تنش با سایرین نمایند که گاهی این درگیری و تنش‌ها به محیط مدرسه و همان لحظه ختم نشده و دعوا و درگیری‌های بعدی و خارج از مدرسه را نیز به دنبال خواهد داشت. بعضاً از حالت شخصی و خصوصی به صورت جمعی و گروهی بدل شده و از ضرب و شتم یکدیگر گرفته تا تخریب وسایل و اسباب مدرسه و حتی انتقال درگیری به خارج از محیط مدرسه و درگیر شدن خانواده و اقوام ایشان نیز منجر می‌گردد.

اغلب در چنین مواردی در محیط مدرسه برای رفع و حل مساله، دانش آموزان با برخوردهای تنبیهی و انضباطی و انواع محرومیت‌ها و امثالهم مواجه می‌شوند که در بسیاری از موارد نه تنها بهنجاری را برایشان به همراه ندارد بلکه حس نفرت و کینه توزی را در نهادشان ذخیره یا بیدار

کرده و آنها را به آشفشانی تبدیل می‌نماید که هر لحظه به دنبال بهانه و جرقه‌ای برای جبران و تلافی کردن می‌باشند. در چنین مواردی به محض مشاهده و گزارش اولین تنش یا عامل تنش‌زا میان دانش‌آموزان، حضور یک روان‌شناس لازم می‌نماید تا سریعاً مساله را پیگیری نموده و به رفع ناملایمات روحی و روانی دانش‌آموزان در فضایی کاملاً دوستانه و صمیمانه پرداخته، تدابیر لازم را جهت افزایش مهارت‌های اجتماعی ایشان اخذ، راسا و یا به کمک سایرین اقدامات لازم را اعمال نماید تا ناملایمات و ناهنجاری‌های ایشان و یا عوامل موجد آنها نه تنها داخل مدرسه، حتی برای خارج از محیط مدرسه و در سالیان متمادی زندگی ایشان نیز مرتفع گردد. چه بسا آنچه واقعا برای جوانان در چنین مواقعی لازم و ضروری و از دید ایشان بسیار ارزشمند است داشتن یک رابطه حمایتی خوب (مقیم و شاملو، ۱۳۹۳، ص ۴۷) با راهنمایی مهربان و صمیمی و قابل اعتماد و احترام است که فارغ از هر گونه پیش‌داری و نگاه متعصبانه و بدون هرگونه برخورد انضباطی و از موضع قدرت، مسئله را بررسی نموده و به حل و فصل مشکلات بپردازد.

تنش و برخورد پرخاشگرانه و ستیزه‌جویانه میان دانش‌آموزان با معلم و بالعکس

سرکوب نمودن دانش‌آموزان، سوء مدیریتِ معاونان و معلم و اقدامات قهر آمیز یا همراه با توهین و تحقیر از سوی ایشان نسبت به دانش‌آموزان از جمله مواردی است که موجد تنش میان دانش‌آموز و معلم یا مدیر و ناظم می‌باشد و هر آن دانش‌آموز را دچار آزرده‌گی خاطر و حس مقابله و ستیزه‌جویی نسبت به ایشان می‌نماید و شاید نه تنها رعایت نظم و تربیت از سوی دانش‌آموز در محیط مدرسه یا فضای کلاس را به همراه نداشته باشد، بلکه او را گستاخ‌تر کرده و اجازه هر رفتاری را به او بدهد. بدیهی است در چنین مواردی نه تنها اقدامات انضباطی بلکه اقدامات روان‌شناختی صرفاً نسبت به دانش‌آموزان راه‌گشا نبوده و بررسی‌هایی در خصوص مدیر و معاون یا معلم و... نیز لازم می‌نماید که می‌توان از دانش‌روان‌شناسی در زمینه ارزیابی روانی و رفتاری پرسنل مدارس نیز استفاده کرد. زیرا هر قدر هم که دانش‌آموز تحت بررسی و تدابیر لازم واقع شود، اما باز هم معلم یا مدیر و... مربوطه دارای همان رفتار و منش و خصوصیات اخلاقی باشند (عوامل اصلی ایجاد نارضایتی و ناهنجاری باقی باشد)، شاید دانش‌آموز به طور مقطعی و سطحی

هدایت شده بنماید، اما در بلند مدت و آینده‌ای نه چندان دور وضع به همان حالت قبل باز خواهد گشت، آنچه که عملاً هنگام عدم مداخلات روان شناختی و صرف برخورد‌های انضباطی نیز شاهد آن می‌باشیم و حتی این وضعیت، در اغلب موارد نه تنها موجب باز اجتماعی و هنجارمند شدن دانش آموز در تقابل و تنش نمی شود، بلکه ممکن است جسارت و نا بهنجاری دیگر دانش آموزان را نیز به همراه داشته و فضای کلی مدرسه را متشنج نماید.

کار آمد بودن برنامه‌های رشد مدار زمانی ممکن است که در سطح وسیعی از افراد در معرض خطر اجرا شود که مستلزم شناسایی ایشان می‌باشد و این امر مستلزم گذراندن زمان طولانی و اختصاص دادن اوقات بسیاری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸) که مسأله را تا حدودی سخت و دشوار می سازد. اما به واسطه حضور دانش آموزان در مدرسه و ارتباط و تعامل ضمنی والدین و اعضای خانواده‌شان با مدرسه، با صرف وقت کمتر، افراد بیشتری تحت بررسی و توجه قرار خواهند گرفت و احتمالاً افراد بیشتری که در معرض خطر اند و نیازمند عوامل حمایتی می‌باشند، در طرح مشارکت داده شوند.

از این رو، با توجه به اینکه اقدامات و برنامه‌های پیشگیری رشد مدار، قبل از وقوع جرم به سراغ عوامل خطر و اشخاص در معرض خطر می‌رود، ممکن است جنبه نشانگری داشته و باعث «برچسب» خوردن برخی افراد، خانواده ها و محلات با عنوان در معرض خطر شود (مهدوی، ۱۳۹۱، ص ۶۰). بدیهی است پذیرش چنین عناوینی با عدم تمایل مواجه شده و به سهولت انجام نمی‌شود. اما در برنامه حضور روان شناس در مدرسه، چون قضیه حالت عمومی و فراگیر به خود گرفته و به نوعی تمام دانش آموزان و خانواده‌های ایشان در هر سطح مالی و توان اقتصادی یا هر سطح فرهنگی و... که باشند را شامل می‌گردد کمتر جنبه نشانگری داشته و احتمالاً از رغبت و تمایل و همکاری بیشتری بهره‌مند گردد.

باید اذعان داشت که برخی از برنامه‌های رویکرد رشد مدار مغایر با اصل شخصی بودن پاسخ کیفری است (نجفی ابرندآبادی، همان) و علاوه بر خود کودک یا نوجوان، خانواده وی خصوصاً والدین او نیز برای هر چه مفیدتر واقع شدن برنامه‌ها تحت نظر قرار گرفته و یا مجبور به شرکت و همکاری در اجرای برنامه‌ها می‌شوند که اغلب ممکن است با مخالفت و عدم همکاری ایشان

مواجه شویم. اما همین والدین به دلیل ارتباطی که در نتیجه آمد و شد فرزندانشان به عنوان دانش آموز به مدارس صورت می‌گیرد، می‌توانند همواره در ارتباط و تعامل با کادر مدرسه خصوصاً معلمان و مدیران و همچنین روان شناس مدرسه قرار گرفته و به این بهانه و از طریق تدوین قوانین و ساز و کارهای لازم و برنامه‌ریزی جهت تشویق و ترغیب خانواده‌ها از سوی مسوولان خصوصاً اولیاء مدرسه در اجرای برنامه‌های رشد مدار که یکی از ملزومات آن بررسی و شناخت علل ریشه‌ای رفتارهای دانش آموز است و با توجه به تأثیراتی که شرایط جمعی و خانوادگی دانش آموز می‌تواند در رفتارهای او به همراه داشته باشد، شرکت داده شوند و بدین طریق مخالفت و عدم همکاری کمتری از خود بروز دهند.

مطابق مطالعات صورت گرفته، یک دلار هزینه نمودن در پیشگیری رشد مدار هفت تا دوازده برابر از هزینه‌های زندان می‌کاهد (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۱). به سهولت آشکار می‌گردد که قرار گرفتن این گونه از پیشگیری نوید بخش سرمایه گذاری در حوزه ی تربیتی اطفال جوامع است که اهمیت آن انکار ناشدنی است.

نتیجه

بدون تردید، اتخاذ راهبرد پیشگیری رشدمدار در پرتو آموزه‌های دینی در کاهش بزهکاری اطفال از اهمیت بسزایی برخوردار است. دین مبین اسلام زمان شروع تربیت دینی را از دوران نونهالی دانسته است؛ زیرا فطرت خداجوی کودک هنوز دست نخورده است و این کارِ مربی را بسیار آسان می‌کند. در این رابطه از یک سو هدف اساسی و برگزیده این راهبرد مداخلات روان شناختی بهنگام در روند زندگی اطفال و نوجوانان است و از دیگر سو با توجه به اشتغال به تحصیل بسیاری از کودکان و نوجوانان در مدارس متعدد و گذران میزان بالایی از اوقات ایشان در مدارس، حضور روان شناس می‌تواند به عنوان دستاوردی بدیع قلمداد شود که با اجرای برنامه های تخصصی و کارآمد روان شناختی، از ورود زودهنگام اطفال به دنیای جرم جلوگیری نماید. در عرصه پیشگیری تمرکز روی اقدامات کنشی است بدون اینکه بر تهدید کیفر تکیه و تأکید شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶) به گفته محققان عوامل خطر با یکدیگر تعامل داشته و

همدیگر را تقویت می‌کنند (کاری یو، ۱۳۸۱، ص ۲۸) در این مورد می‌توان جهت افزایش فرصت‌های حمایتی و مراقبتی از کودکان و نوجوانان خارج از ساختار خانواده به الگوپذیری از برنامه‌های مجری در سایر کشورها همچون روان شناسی مدرسه به عنوان یک رشته تخصصی دکتری پرداخت و با در نظر داشتن شرایط فرهنگی، مذهبی و اقلیمی و... اقدامات موثری را جهت کاهش مصادیق بزهکاری کودکان و نوجوانان به انجام رسانیده و مانع افزایش روزافزون آن شد. این روان شناسان که در پنج حوزه مشاوره، ارزیابی، مداخله، پیشگیری، پژوهش و برنامه ریزی فعالیت دارند در زمینه‌های متعدد آموزش‌های لازم را دیده اند و می‌توانند در بهبود وضعیت موجود مدارس و پیشگیری از آسیب‌های موجود موفق ظاهر شوند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶)، جرم‌شناسی پیشگیری، نشر میزان، چ چهارم.
۲. اتکینسون، ریتا ال و همکاران (۱۳۹۵)، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه: براهنی، محمد نقی، انتشارات رشد، تهران، چ بیست و چهارم.
۳. ترکمندی، حمید رضا (۱۳۹۶)، بهداشت بلوغ دختران و پسران، انتشارات رشد، تهران، چ اول.
۴. حرعاملی، محمدابن حسن (۱۳۸۹) وسایل الشیعه، ترجمه: صحت، علی، قم، ج ۱۵، نشر ناس.
۵. حسینی، سید حمید (۱۳۸۱) منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، نشر دارالحدیث، چاپ اول.
۶. دارابی، شهرداد (۱۳۹۵)، پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی، نشر میزان، تهران، چ اول.
۷. رجبی پور، محمود (۱۳۸۸)، بزهکاری دانش‌آموزان و امکان پیشگیری اجتماعی رشد‌مدار، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، ش دوم.
۸. روحانی مقدم، محمد و محمد زاده، حمیدرضا و پروانه پور، امیرحسین (۱۳۹۶)، بررسی عوامل فردی و محیطی موثر در پیشگیری زودرس از جرائم دانش‌آموزان مقطع دبیرستان، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۹، شماره ۱.
۹. فرانس، الن و راس هامل (۱۳۹۳)، پیشگیری رشد‌مدار از جرم، ترجمه: شاملو، باقر و مقیمی، مهدی، نشر میزان، تهران، چ اول.
۱۰. کاری یو، روبر (۱۳۸۱) مداخله روانشناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی،

تأثیر حضور روان شناس مدارس در پیشگیری رشد مدار از بزهکاری اطفال (با تأکید برآموزه‌های اسلامی)..... ♦ ۱۳۱

۱۱. کی نیا، مهدی (۱۳۹۲)، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، ج اول، تهران، چ چهارم .
۱۲. گراهام، جان (۱۳۸۳)، تاثیر مداخله های زود هنگام روان شناختی_ اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری، خواجه نوری، یاسمن، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۹ _ ۴ .
۱۳. لطف آبادی، حسین (۱۳۹۴)، روان شناسی تربیت، انتشارات سمت، تهران، چ هشتم.
۱۴. لیابو، کریستین و ریچارد سون، جوانا (۱۳۹۴)، اختلالات رفتاری و رفتار مجرمانه در افراد جوان، ترجمه: مرادیان، علی و عزیز آبی، فرشاد، نشر مجد، تهران، چ اول.
۱۵. متولی زاده نائینی، نفیسه (۱۳۸۶)، پیشگیری رشد مدار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ش دوم، سال دوم.
۱۶. مهدوی، محمود (۱۳۹۰)، حقوق پیشگیری رشد مدار از بزهکاری کودکان و نوجوانان در اسناد بین المللی، مجله اطلاع رسانی حقوقی، ش ۲۷ .
۱۷. مهدوی، محمود (۱۳۹۱)، پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار)، انتشارات سمت، تهران، چ دوم.
۱۸. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۸۷)، مباحثی در علوم جنایی، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست هفتم.
۱۹. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۷) پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۶.
۲۰. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۵) دانشنامه جرم شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چ چهارم.
۲۱. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۸۹) پیشگیری عادلانه از جرم در: علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم.
۲۲. یارمحمدیان، احمد (۱۳۸۹)، روان شناسی کودک و نوجوان ناسازگار (اختلالات رفتاری و عاطفی)، نشر یادواره کتاب، تهران، چ اول.